

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۹۴-۲۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۵

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1950809.2423](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1950809.2423)

بررسی نمادهای جانوری در نگارستان معین‌الدین جوینی

نرگس رضوانی مقدم^۱، دکتر ایرج مهرکی^۲، دکتر آذر دانشگر^۳، دکتر زهرا دری^۴

چکیده

نمادها اغلب از طبیعت، آیین‌های ملی و اساطیری و دین و مذهب سرچشمه می‌گیرند و یکی از شیوه‌های ارتباط و انتقال مفاهیم‌اند. در ادبیات فارسی از نام انواع جانوران در موارد متعدّد و در معانی متنوع استفاده شده است. جانورانی که نامشان گاه در معنای واقعی و گاه در معنای غیرواقعی و نمادین به کار رفته است. در پژوهش حاضر به بررسی نمادین چارپایان و پرندگان در کتاب نگارستان جوینی پرداخته شده و از جهت معنای نمادین و معنای واقعی دسته‌بندی شده، سپس بسامد هر مورد نیز آورده شده است. نگارستان معین‌الدین جوینی کتابی است که به تقلید از گلستان سعدی در قرن هشتم نوشته شده است. روش تحقیق بر پایه مبانی نظری و به شیوه توصیفی - تحلیلی است و ابزار تحقیق، کتاب و کتابخانه و منابع اطلاعاتی در این زمینه بوده است. هدف از نگارش تحقیق این بوده که جانوران در نگارستان معین‌الدین جوینی در چه مفاهیم نمادینی به کار رفته‌اند و بسامد هر کدام را مشخص کند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد جوینی در کتاب نگارستان به ترتیب فراوانی از حیوانات و پرندگان، در مفهوم نمادین و مفهوم حقیقی استفاده کرده است. تعداد کاربرد مفاهیم حقیقی در همه گونه‌ها بیشتر از مفاهیم نمادین است.

کلید واژه‌ها: جانوران، نماد، نگارستان، معین‌الدین جوینی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

narges0912@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول)

I.mehr41@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

a.daneshgar2015@gmail.com

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

zahra_dorri@yahoo.com



مقدمه

جهان پیرامون انسان، سرشار از نمادها و نشانه‌هایی است که با زندگی او گره خورده است. تأثیراتی که نمادها در زندگی انسان‌ها داشته و دارند، کاملاً بدیهی و روشن است. چنان‌که می‌توان گفت نه تنها در عالم بیداری، بلکه در عالم خواب هم انسان، نمادها و نشانه‌هایی را می‌بیند که پس از بیدار شدن در جستجوی تعبیر و تفسیر آنها برمی‌آید. نمادها، نشانه‌هایی برگرفته از تصوّرات، افکار، آرمان‌ها و آرزوهایی هستند که از ذهن انسان‌ها نسبت به محیط، اشیا و اجزای جهان هستی سرچشمه می‌گیرند و شاید در مراحل اولیه، نشانه‌هایی از واکنش انسان‌ها بوده نسبت به آنچه از آنها اطلاع و آگاهی نداشته است.

نماد یکی از آرایه‌های ادبی است که ویژگی بارز آن ابهام، عدم صراحت و غیرمستقیم بودن آن است. به این معنا که در زبان سمبلیک مراد و مقصود، ظاهر و صورت کلام نیست، بلکه مفهومی است ورای ظاهر و فراتر و عمیق‌تر از آن.

نمادگرایی در ادبیات نظم و نثر فارسی بحث گسترده‌ای است. در میان شاعران و نویسندگان گذشته، نویسنده کلیله و دمنه، مرزبان بن رستم (مرزبان‌نامه)، ابن‌سینا، سهروردی، مولانا، عبید زاکانی، عطار، حافظ و بعدها در میان معاصرین، نیما یوشیج، اخوان ثالث، سهراب سپهری، شفیعی کدکنی و ... بیشتر به نمادسازی توجه داشته‌اند.

پژوهش حاضر به بررسی نمادین چارپایان و پرندگان در کتاب «نگارستان» معین‌الدین جوینی (متوفی ۷۸۱ ق) پرداخته است و بسامد جانوران نمادین را در جدول‌های مجزا در بخش پایانی مقاله آورده است. نگارستان اثر معین‌الدین جوینی هفتاد و نه سال پس از سعدی، به پیروی از سبک گلستان نوشته شده است. در این کتاب از جانوران بسیاری در معانی نمادین (مفاهیم عرفانی، اخلاقی، اجتماعی و ...) و معانی غیرنمادین و اصلی نام برده شده است.

پیشینه تحقیق

درباره جانوران و کاربرد نمادین آن‌ها، کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های قابل توجهی نوشته شده است، اما با عنوان «بررسی نمادین جانوران در کتاب نگارستان جوینی، تحقیقی صورت نگرفته است. برخی مقالات و منابع درباره جانوران و کاربرد نمادین جانوران عبارتند از:

«جانوران و اسطوره آغاز در ایران باستان» اثر ابراهیم واشقانی فراهانی، فصل‌نامه علوم انسانی پیک نو، دانشگاه پیام نور، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰. «فرهنگ‌نامه جانوران در ادب

پارسی» از منیژه عبداللهی، کتاب نقش حیوانات در داستان‌های مثنوی اثر بهروز خیریه و کتاب «دانش‌نامه اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته» از خسرو قلی‌زاده.

روش تحقیق

روش پژوهش بر پایه مطالعات نظری و به روش توصیفی، تحلیلی است. پس از گردآوری اطلاعات، فیش‌ها با توجه به انواع جانوران اعم از حیوانات، پرندگان، موزیات و آبیان دسته‌بندی شد و سپس معانی حقیقی و نمادین متن‌ها و اشعاری که جانوران در آن به کار رفته بود؛ بررسی شد. یادآوری می‌شود به خاطر محدودیت حجم مقالات برای چاپ فقط حیوانات و پرندگان در این مقاله بررسی می‌شود.

مبانی تحقیق

نماد

نماد، شیء بی‌جان یا موجود جاننداری است که هم خودش است و هم مظهر مفاهیم فراتر از خودش و «در برابر واژه فرنگی سمبل (symbol) می‌آید که از کلمه یونانی سومبولون (symbolon) به معنی علامت، نشانه و اثر می‌باشد» (داد، ۱۳۹۰: ۴۹۹) و عموماً شیء‌ای کمابیش عینی است که جایگزین چیز دیگر شده و بدین علت بر معنایی دلالت دارد.

نماد اصطلاحی است که در حوزه‌های مختلف علوم انسانی چون اساطیر، ادیان، روان‌شناسی، فرهنگ عامه و جزو کلیدی‌ترین واژه‌هاست و در هر یک اینها دارای معنایی است که اگرچه با سایر دانشها نزدیک است اما در عین حال خاص همان حوزه است. این واژه در عام‌ترین معنای خود «بارها به عنوان معادلی برای هر نوع علامت به کار رفته است» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۷). بنابراین هر علامتی که بتوان آن را معادل معنایی فراتر از خود آن علامت دانست نوعی نماد است «اعم از حرف، شکل، علامت اختصاری، کلمه، قول، و حتی حرکت...» (همان). به سبب همین اهمیت و گستردگی «برای فکر بشر ضروری است و نادیده گرفتن آن، نقص جدی به‌شمار می‌آید. برای تفکر، جنبه اساسی دارد و نماد کامل، باید همه جوانب بشر اعم از روان، هوش و احساسات او را اقناع کند» (کوپر، ۱۳۹۲: ۱۳).

نماد در ادبیات جزو مقوله‌های بیانی به‌شمار می‌آید و قرابت بسیاری با استعاره دارد اما در عین حال با آن متفاوت است. مهمترین قرابت آنها در این است که هر دو واژه‌ای هستند که در معنایی جز معنای اصلی خود (معنای ما وضع له) به کار می‌روند. استعاره واژه‌ای است که به

قرینه شباهت به جای واژه دیگر به کار می‌رود، نماد نیز همین گونه است؛ اما نماد گاه ممکن است به معنای اصلی خود نیز اشاره داشته باشد. علاوه بر آن نماد بر خلاف استعاره گاه ارجاع‌های زیادی دارد. برای مثال روباه در ادبیات ممکن است علاوه بر معنی اصلی کلمه به جای شخص حيله‌گر یا با تدبیر و یا خونریز و ... به کار رود.

شاعران و نویسندگان با بهره‌گیری از نماد و تمثیل، مفاهیم را به‌نحوی در ذهن به‌هم پیوند می‌دهند که با تصویر یکی، تصویر دیگری در ذهن تداعی می‌شود. نماد، جنبه‌های وسیع و ناخودآگاهی را داراست که هرگز نمی‌توان به‌طور دقیق و کامل آن را توصیف و تبیین نمود و به دلیل قلمرو وسیع استفاده از نماد و نامحدود بودن و پویایی‌اش، تعاریف گوناگونی از نماد ارائه شده است.

فتوحی در تعریف نماد می‌گوید: «نماد بیانگر کلیات و مفاهیم بزرگ به وسیله موضوعات جزئی است. اما این موضوعات و تصاویر جزئی چنان زنده و جان‌دارند که ذهن را تسخیر می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۶۱).

نماد نوعی نشانه است، اما تفاوتی با آن نیز دارد. نشانه چیزی است که بر چیزی جز خود دلالت دارد. بنابراین نشانه‌ها معنایی ندارند و فقط برای دلالت بر چیزی دیگر در جامعه و بر اساس قراردادهای اجتماعی ساخته می‌شوند و به کار می‌روند، اما نماد نشانه‌ای است که مدلول خود را آشکارا نشان نمی‌دهد و همواره هاله‌ای از ابهام بر آن سایه می‌افکند و به همین دلیل نیازمند تأویل است.

معرفی معین‌الدین جوینی

مولانا معین‌الدین جوینی مؤلف نگارستان، مردی فاضل، دانشمند و سالک و از جمله مریدان خاندان سعدالدین حموی بوده است. وی در قریه انداده از توابع جوبین خراسان به دنیا آمده، در فراگیری علم، شاگرد مولانا فخرالدین خالدی اسفراینی بوده است. تخلص وی در کتاب نگارستان «معینی» است. وی بیش از ده بار در لابلای کتاب از این تخلص استفاده کرده است: «خدایا «معینی» از این بنده است به حالش نظر کن که درمانده است (جوینی، ۱۳۹۸، ج ۲:

(۱۶۹).

تاریخ تولد جوینی در هیچ کتاب تذکره و تاریخ ادبیاتی مشخص نیست. برخی نویسندگان براساس سال درگذشت او احتمال داده‌اند که اوایل سده هشتم به دنیا آمده باشد (منزوی،

۱۳۵۲، ش ۱۷۱/۱۱۳؛ شریفی، ۱۳۸۷: ۱۳۳۳). سال فوت معین‌الدین ر ۷۸۱ه.ق و مکان فوتش را زادگاه وی_ روستای انداده از توابع جوبین سبزوار- ذکر کرده‌اند (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

معرفی نگارستان

نگارستان جوینی یکی از کتابهایی است که به شیوهٔ گلستان سعدی و به تقلید از آن نوشته شده است. نثر نگارستان گاهی مسجع و گاهی مرسل و ساده است و نوادر، امثال و جمله‌های حکمت‌آمیز بسیاری در آن دیده می‌شود. نثر کتاب آمیخته به شعر است. اغلب اشعار سرودهٔ خود وی است و برخی اشعار عربی از شاعران عرب نیز در این کتاب ذکر شده است. نگارستان در هفت باب (در مکارم اخلاق، در صیانت و پرهیزگاری، معاشرت با ابنای زمان، در عشق و محبت، در وعظ و نصیحت، در فضل و رحمت، در فواید متفرقه) و هفتاد و نه سال پس از نگارش گلستان به رشتهٔ تحریر درآمده است. جوینی در دیباچه به روش سعدی سخن گفته است. گویا دیباچهٔ سعدی را پیش روی خود نهاده است و با توجه به آن، دیباچه را نوشته است و در عین حال تلاش کرده کلامش نه تنها با سعدی برابری کند بلکه از نظر زیبایی، شیوایی و ... از گلستان فراتر رود. هدف معینی جوینی این است که کتابش برای همیشه در تاریخ جاودان بماند؛ زیرا معتقد است کتاب گلستان سعدی بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود. وی کتاب نگارستان را «در عهد ابوسعید گورکان و وزیرش غیاث‌الدین محمد تألیف کرده‌است» (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۴: ۳۰۸)

بحث

نماد جانوری

در ادب فارسی از نام‌های جانوران در متون مختلف به وفور استفاده شده است که گاه در معنای واقعی خود و گاه نمادین به کار رفته‌اند. کاربرد نمادین جانوران که ریشه در اسطوره‌ها و باورهای مردم دارند چنان با تار و پود آثار ادبی آمیخته شده که گاهی دریافت پیام و مفهوم آن متون بدون درک مفاهیم نمادین ممکن نیست. آگاهی از مفهوم نمادهای جانوری، گیاهی و ... ما را در دریافت دقیق مفاهیم متون ادبی یاری می‌کند.

نمادهای جانوری در نگارستان

در این پژوهش، سعی شده است کاربرد نمادین حیوانات و پرندگان در نگارستان بررسی

شود. به این منظور نام چارپایان و پرندگان در کتاب نگارستان استخراج شده و سپس به بیان مفاهیم نمادین یا حقیقی هر یک از آن‌ها- برای بیان مسائل عرفانی و اخلاقی- پرداخته شده است.

چارپایان

نام چارپایانی که در نگارستان آمده است، عبارتند از: سگ، شیر، گوسفند، گرگ، شتر، خر، اسب، پلنگ، روباه، گربه پیل، ببر، گورخر، گوزن، گوساله، میش، بره، خرس و بزغاله. جانوران را به ترتیب فراوانی آن در نگارستان بررسی می‌کنیم.

سگ

سگ جانوری اهلی است و «در اوستا و متون دینی پهلوی نظیر بندهشن و ارداویراف‌نامه جایگاهی ممتاز دارد و زرتشتیان برای این جانور قداستی والا قائل‌اند» (ایاز، ۱۳۹۶: ۱۵۰).
اهورامزدا خود را با سگ برابر می‌داند و می‌گوید ما همچون سگ از سروش نیک‌کردار محافظت می‌کنیم: «همچون سگ چوپان که گرداگرد گله می‌گردد، ما نیز پیرامون سروش پارسای آشون پیروزمند می‌گردیم» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۳۹۱). «حیوانات در کتب آسمانی نیز ظهور و بروز دارند. هم در قصه‌ها و هم در سایر زمینه‌هایی چون معجزه‌ها، عبرت‌آموزی‌ها و احکام و ... در قرآن کریم نام سی و پنج حیوان ذکر شده است» (جماران، ۱۳۸۹: ۳۱). سگ سه بار در قرآن ذکر شده است که در یک مورد آن، قرآن، نفس حریص را به سگ تشبیه کرده است. «در این آیه سخن از بلعم باعورا است که ابتدا در مسیر حق بود به طوری که کسی انتظار انحراف او را نداشت سرانجام دنیاپرستی و پیروی از هوای نفس او را به سقوط کشاند. خداوند در قرآن وی را به سگ تشبیه کرده است (ر.ک: اعراف/ ۱۷۶). در سوره کهف به نگهبان بودن سگ اشاره شده (ر.ک: کهف/ ۱۸) و در سوره مائده حکم سگ شکاری بیان شده است (ر.ک: مائده/ ۴). آن چه درباره نجس بودن سگ در بین مسلمانان وجود دارد به روایات بر می‌گردد.
معینی جوینی نیز همسو با اعتقاد مسلمانان، انسان‌ها را به خاطر ویژگی‌های منفی و زشت به سگ تشبیه می‌کند. گاهی سگ را نماد نفس سرکش و عصیان‌گر و درنده‌خو می‌داند که تا با ریاضت و پرورش درست، تربیت نشود و رام و مطیع نگردد، به سوی پاکی‌ها و وارستگی تمایل پیدا نمی‌کند:

نکند نفس سیر، رغبت زهد سگ که شد سیر، بد رود به شکار

(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۱۸۲)

جوینی برای مطیع کردن و فرمانبرداری انسان‌های متمرّد و چاپلوس توصیه می‌کند، باید با زبان نرم آنها را رام و فرمانبردار کرد، همچنان که اگر به سگ محبت کنی سگ نیز مطیع و فرمانبردار تو خواهد شد:

«عربی گفت: اگر موسی به وقت دعوت به جای عصا، پالوده بر فرعون عرض کردی بی‌شک مطیع و منقاد او گشتی.

سگ ز زخم عصا همی ترسد از کلیچه چرا گریزد سگ
ور تو نانش دهی، مطیع شود چون ببیند تو را برآرد تک
(همان، ۹۷)

جوینی در بیشتر موارد سگ را نماد فرومایگی می‌داند و انسان‌های فرومایه و پست را به سگ تشبیه می‌نماید:

«سگ گزنده، با حساست نفس و لوم طبیعت و عدم تمییز، دامن آشنایان نمی‌کشد» (همان، ۷۶). البته در این جا علاوه بر ویژگی فرومایگی به آشنانوازی سگ نیز اشاره دارد. در جای دیگر خضوع و خشوع حضرت موسی (ع) را که سبب رفعت و تفضّل وی شده است، به سگی چاپلوس مانند می‌کند:

«خطاب آمد که تو را دیدم که از فرط تواضع و تذلل درخاک مراغه می‌کردی و برمثال سگ گرسنه که پیش صاحب خود درخاک غلطد و به افتادگی و تملّق خود را سزاوار ترحم و ترفّق گرداند «فان أردت أن أرفعك من بین الناس» من نیز خواستم که تذلل تو را با تفضّل خود مقابل کنم و این تواضع و تخشع را به ترفّی و ترفّع برسانم» (همان، ۱۳۸).

در جایی دیگر زنان را همچون سگ می‌داند که برای به دست آوردن خواسته های خود چاپلوسی می‌کنند:

«پسران به منزله شیرانند که درانتزاع آنچه در دست تو است، حریص باشند و زن و کنیزک چون سگان، که به تملّق و ترفّق تو را به دست دارند و ...» (همان، ج ۲: ۶۹).

جوینی در مجموع ۸ بار سگ را نماد انسان‌های فرومایه (ر.ک: جوینی، ۱۳۹۸: ج ۱، ۷۶ و ج ۱، ۱۸۲ و ج ۲، ۱۳۶ و ج ۲، ۱۵۳ و ج ۲، ۱۵۳ و ج ۲، ۲۰۹ و ج ۲: ۲۰۹) ۴ بار نماد انسان‌هایی که فقط سر و صدا دارند (همان: ج ۱، ۱۹۳) ۴ بار نماد نفس حریص (ر.ک: همان: ج ۲، ۱۳۳ و ج ۲، ۱۳۵ و ج ۲، ۱۳۴ و ج ۱، ۹۷)، ۲ بار نماد انسان‌های چاپلوس (ر.ک: همان: ج ۱،

وج ۲، ۶۹)، ۲ بار نماد آشنانوازی (ر.ک: همان: ج ۲، ۷۶ و ج ۲، ۱۳۵) می‌داند و در بقیه موارد در معنای حقیقی به کار رفته است.

مثال برای معنای حقیقی: «... کودک گفت: سگ من باش تا تو را عسل دهم. گفت: سگ تو شدم» (همان، ج ۱: ۱۹۳).

شیر

«پستانداری عظیم‌الجثه و قوی از راسته گوشتخواران که دارای چنگال‌های قوی و قدرت عضلانی بسیار است و امروزه تقریباً منحصر به آفریقای مرکزی است. نوع نر آن در اطراف سر و گردن دارای یال انبوه است» (معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ذیل واژه شیر). شیر در اسطوره‌های جهان، دو مفهوم مثبت و منفی دارد و بیشتر نماد صفات نیکو و گاهی نیز نماد صفات ناپسند است.

شیر در نماد دلیری، شجاعت، غرور، خشم، اقتدار و صلابت به کار رفته و در فرهنگ حماسه و ادبیات ملی و آیینی نیز جایگاه مهم داشته است.

از این حیوان، دوازده بار در نگارستان نام برده شده است که شش بار در معنی نمادین و شش بار در معنی حقیقی است. جوینی ضمن نقل حکایتی درباره سلیمان فارسی توصیه می‌کند اگر دنبال عزت دنیا و آخرت هستید هیچ خلقی را در جهان خوار مپندارید و از مورچه که نماد ناتوانی و خردی است و شیر که نماد قدرت و بزرگی است کمک گرفته و منظور خویش را بیان می‌دارد:

تو زور خویش مبین و به ضعف من منگر که هست مورچه چون شیر در جهان بر کار
(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۲۲۸)

جوینی در جای دیگر سفارش می‌کند که برای رسیدن به مقصود و مطلوب باید با دیگران خوش رفتار بود. محبت باعث می‌شود حتی شیر هم با همه شجاعت و دلیری از انسان فرمان برد:

شیر با آن همه سرپنجه چو نیکی بیند نتواند که سر از پنجه فرمان ببرد
(همان، ۲۹۵)

نفس سگ را کسی که بند کند شیر گردد مطیع فرمانش
هر که آزار مور نپسندد نزند شیر زخم بر جانش
(همان، ج ۲: ۱۳۵)

در ابیاتی که ذکر شد، در بیت اول شیر نماد قدرت، اقتدار و صلابت و در بیت دوم نماد خشونت و استبداد است و در بیت زیر در معنای حقیقی به کار رفته است.

نکند هیچ صید گور و گوزن
گر بترسند ز گرگ و روبه و شیر
(همان، ج ۲: ۱۸۷)

گوسفند «میش»

پستانداری از راسته سم‌داران، از گروه نشخوارکنندگان و از تیره تپی شاخان که جهت استفاده از پشم، شیر و گوشتش آن را اهلی کرده و به صورت گله‌های بزرگ نگهداری می‌کنند (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ج ۳، ذیل واژه گوسفند). این چارپا از جمله آفریده‌های اهورایی و مقدس به کار می‌رفته است. گوسفند و میش در نگارستان ۱۴ بار تکرار شده است که ۱۳ مورد آنها در معنای حقیقی و یک مورد آن در معنای نمادین به کار رفته است.

جوینی در نقل حکایتی با این مضمون که مردم در موسم حج به مکه رسیدند و نکویان به نکویان پیوستند و بدان با بدان درآمیختند از جانوران میش و گرگ نام برده است و آنها را در معنای نمادین متضاد در مقابل هم قرار داده است. در بیت زیر میش نماد مظلومیت و گرگ نماد ستمگری و بدرفتاری است:

به جنس خود کند هر جنس آهنگ
ندارد هیچ کس از چون خودی، ننگ
نخواهد وصل هندو هیچ ترکی
نباشد مهربان بر میش، گرگی
(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۲۵۴)

در معنای حقیقی: «حضرت رسول (ص) گوسفندی بکشت و عایشه را فرمود که بر فقراء مدینه قسمت کن» (همان، ج ۲: ۷۷).

گرگ

گرگ جانوری وحشی و گوشتخوار است. گرگ در اوستا موجودی اهریمنی است که برای آسیب زدن به آفریده‌های اورمزد به وجود آمده است.
«تو را [بدین جا] فرو خوانم تا ستیزه همه بدخواهان را درهم شکنم. چه دیوان و مردمان چه جادوان و پریان، چه ستمکاران و گوی‌ها و گرپ‌ها، چه ... گرگان چارپا» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

گرگ در متون ادبی نماد دشمنی، درندگی، فریبکاری، حيله‌گری، ظلم، مرگ و خصلت‌های ناپسند است. در نگارستان هشت بار به کار رفته است که سه بار در معنای حقیقی و پنج بار در معنای نمادین و فقط در نماد درندگی و فریبکاری به کار رفته است. جوینی در فصل سوم

نگارستان- باب معاشرت با ابنای زمان - طبق بخشی از حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «خداوند سه فرقه را دوست دارد و سه فرقه را دوست‌تر. پارسایان را دوست می‌دارد و جوانان پارسا را دوست‌تر.» از مفهوم نمادین گرگ که در پیری دنبال شکار نمی‌رود، استفاده کرده و می‌گوید: در جوانی پرهیزگاری بودن شایسته‌تر است تا در پیری:

شکستن هوا را به تقوی و زهد خوش است از جوانان پرهیزگار
نه زهد است خرسندی گرگ پیر که از عجز کرده است ترک شکار

(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۲۲۶)

در بیت زیر نیز با تشبیه عشق به گرگ نمادسازی شده است و گرگ در مفهوم نمادین درنده‌خویی و ستیزه‌گری به کار گرفته شده است.

در ره عشق هست و خواهد بود هر زمانی تأسفی دیگر
گرگ بی‌رحم عشق هر ساعت می‌خورد خونِ یوسفی دیگر

(همان، ۳۰۰)

در حکایت زیر نیز گرگ سه بار تکرار شده است و در همه موارد در معنای حقیقی به کار رفته است.

یکی از مشایخ حکایت کرد در بعضی از بیابان‌ها بر کنار گله‌ای رسیدم. شبانی را دیدم نماز می‌گزارد. گرگ قوی در میان گله می‌گردید و گوسفندان از او احتراز نمی‌نمودند و آن گرگ نیز به گوسفندان آسیبی نمی‌رساند. از آن حال عجب داشتم توقف نمودم تا شبان نماز تمام کرد. گفتم: میان گرگ و گوسفند از کی باز صلح افتاده است؟ گفت: تا من با خدای خود صلح کرده‌ام حق تعالی گرگ را با گوسفندان من صلح داده است (ر.ک: همان، ج ۲: ۱۳۷).

شتر

شتر چارپایی است درشت اندام و نشخوارکننده، در پشت خود یک یا دو کوهان دارد این پستاندار بدون شاخ است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۲: مدخل واژه شتر). گردنی دراز، پاهایی بلند و قدرت تحمل گرسنگی و تشنگی بسیار زیاد از ویژگی‌های این جانور است. شتر در اوستا و متون پهلوی جایگاه ارزشمندی دارد.

شتر در نگارستان ۸ بار به کار رفته است که همه موارد آن در معنای حقیقی است. مثال:

«... شتر مست چون آواز متعهد آب و علف خود می‌شنود در بیابان از قصد بیگانگان باز

می‌ایستد» (جوینی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۷۶).

خر

چارپایی اهلی و از اسب کوچکتر است که در گذشته بیشتر برای بارکشیدن و سواری کردن و برای پیمودن مسافت‌های کوتاه و طولانی از آن استفاده می‌شده است. گوشه دراز و یال‌هایی کوتاه‌تر از اسب دارد و در حمل بار صبور است. آنچه در اوستا و متون پهلوی در مورد خر آمده است نشان از آن دارد که این جانور در فرهنگ ایران باستان ارزشمند بوده و موجودی اهورایی و مفید به شمار می‌رفته است.

«و خری را می‌ستاییم که در میان دریای فراخکرت ایستاده است» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۲۱۲).
خر در متون ادبی نماد پستی، فرومایگی، نادانی و غفلت، بی‌ارزشی و حقارت است. خر در نگارستان ۶ بار به کار رفته است. سه بار در معنی حقیقی و سه بار در معانی نمادین:

- نماد نادانی و حماقت:

ذاتی که هست مظهر انوار معرفت خواهد ز مهر خویش مقامات عالیه
نبود جز از خری و بد اختری شدن قانع به نتنِ مزبله از بوی غالیه
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۱۸۶)

با خرد نیست آدمی گرچه کرد تحصیل حکمت و تفسیر
کی شود خر به تربیت مردم ور جُل و جامه‌اش کنی ز حریر
(همان، ۱۹۴)

- بی‌ارزش و حقیر بودن:

گر عقل را ز علم نباشد تجملی هم‌ره به منزلی است که خود عقل رهبر است
بی عقل را مسلم نبود هیچ فایده حاصل چو لؤلؤیی است که در گردن خر است
(همان، ۱۹۳)

در ابیات زیر خر در معنای حقیقی به کار رفته است.

هر کس که بار شرع نهد بر تن ضعیف آرد به زیر بار چو خر، شیر شرزه را
(همان، ج ۲: ۱۳۶)

برگرفتی چو بارِ یار از دل بار خر نیز بر گرفتن بد
(همان، ۱۷۶)

اسب

پستانداری از راستهٔ فرد سمان جزو تیرهٔ سم‌داران که دارای گونه‌ها و نژادهای مختلف است.

این حیوان در موارد مختلف زندگی انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از قبیل سواری، کشیدن گاری و درشکه، حمل و نقل بار، شخم زدن، اسب سواری، حمل و نقل بار، شخم زدن، اسب دانی و ... (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ذیل واژه اسب). اسب در نگارستان نوزده بار تکرار شده است که همه موارد در معنای حقیقی به کار رفته است:

«منقول است از شامی که گفت: در مدینه آدم، یکی را دیدم جامه‌های فاخر پوشیده و بر اسب قیمتی سوار شده.

نگویتم همه زربخش و اسب و جامه ولیک
بدان قدر که توانی بکوش از کم و بیش
(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۶۶)

پلنگ

پستانداری است گوشت‌خوار، دارای خال‌های فراوان بر پوستش، بیشتر در آفریقا می‌زید. گونه‌هایی از آن در ایران و هند نیز وجود دارد (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ذیل مدخل پلنگ). در متون ادبی پلنگ نماد قدرتمندی، درنده‌خویی، سرعت، خشمگینی دورویی و دورنگی، ظلم و ستم، به کار رفته است. واژه پلنگ در کتاب نگارستان جوینی سه بار به کار رفته است و در همه موارد در مفهوم نمادین استفاده شده است.

معین‌الدین جوینی در بیت زیر تنهایی را بهتر از با دیگران بودن می‌داند که نتیجه آن دل‌تنگی است و معتقد است تنها بودن بهتر است از این که با پلنگ و شیر و گرگ همنشین باشی:

گر نمی‌خواهی که باشی تنگ‌دل
ترک صحرا گیر با خُرد و بزرگ
کُنج تنهایی گرفتن در امان
به که بودن با پلنگ و شیر و گرگ
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۶۵)

در این ابیات پلنگ در کنار شیر و گرگ نماد خونخواری و درنده‌خویی است و در بیت زیر، معینی جوینی معتقد است اگر زور و بازو داری با دشمنان نبرد کن و فقط با اعتماد و تکیه بر دوستان به جنگ با دشمن مرو چون شکست خواهی خورد.

گرت زور و بازو و مردانگی است
بکن ناخن شیر و ببر و پلنگ
به خشکی برآویز با پیل مست
به دریا مکن احتراز از نهنگ
و گرنه ره صلح را پیش گیر
به پستی یاران میارای جنگ
(همان، ج ۱: ۸۴)

و در ابیات زیر پلنگ را نماد قدرت معرفی شده است:

تندی و تیزی مکن در هیچ کار
تا به رفقی آن میسر می‌شود
می‌زند چنگال چون ببر و پلنگ
گر به با شیری چو مضطر می‌شود
(همان، ج ۱: ۱۱۷)

روباه

روباه جانوری وحشی و گوشت‌خوار است که از انواع گونه‌های سگ به حساب می‌آید، دارای پوستی با رنگ‌های متفاوت سیاه، زرد، حتی سرخ است. جنس نرم پوستش باعث شده تا از آن به عنوان آستر در تهیه لباس استفاده کنند (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ذیل واژه روباه).
روباه در زبان پهلوی به شکل نوشتاری روپاس آمده است. براساس بندهشن از انواع سگان است که لانه خود را به شکل سوراخی در زمین می‌سازد. این جانور نیز جزء حیوانات مفید به شمار می‌رود زیرا برای دشمنی با دیوی به نام «خدنگ دیو» خلق شده است:
«روباه جانوری مقدس است و برخلاف دیگر جانداران آنگاه که کشته شود باعث آلودگی نمی‌شود. از بین بردن این چارپا از گناهان بزرگ است (ر.ک: قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲۷).
در متون ادبی روباه نماد تلاش و کوشش، فرومایگی، ضعف و ناتوانی، حيله‌گری و فریبکاری، نماد ظاهرآرایی و دورویی، صاحب عقل و هوش است (ر.ک: ایاز، ۱۳۹۶: ۱۴۸).
واژه روباه در نگارستان جوینی، سه بار به کار رفته که در همه موارد در مفهوم نمادین است.
در بیت زیر روباه نماد ضعف و زبونی است؛ چنانچه اگر انسان به موجوداتی کوچکتر و ضعیف‌تر از خودش نیازمند و محتاج شود، بهتر است بمیرد تا زنده بماند و با خفت و زبونی زندگی کند.

کریمی را که از جور زمانه
مبدل گشت اقبالش به ادبیر
عجب نبود که از خوف شماتت
ز عمر و زندگی خود شود سیر
به از مرگش نباشد هیچ دولت
به روباهی شود محتاج اگر شیر
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۲۳۵)

گره

جانوری اهلی، از خانواده گره‌سانان و گوشت‌خوار است. گره‌ها از هفت هشت سالگی بالغ می‌شوند و تا هشت، نه سالگی قابلیت جفت‌گیری دارند. چشم‌های آنها پوشش درخشانی دارد که در سیاهی شب می‌درخشد. قدرت دید این چارپا در شب شش برابر انسان است (ر.ک: عطوفت، ۱۳۸۷: ۵۳).

در متون ادبی، گربه در نمادهای مختلف به کار رفته است از جمله انسان ظاهر آراسته، مرگ، نفاق و دورویی.

معین‌الدین جوینی سه بار واژه گربه را به کار برده است که در همه موارد در معنای نمادین به کار برده شده است.
تزویر و ریاکاری:

هستند همچو گربه همه شهر در نفاق زان است همچو گربه ز سگ ترس و بیمشان

(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۱۳۴)

در بیت‌های زیر گربه نماد ضعف و زبونی است و جوینی می‌گوید: وقتی انسان ناگزیر می‌شود، کارهای بزرگ‌تر و سخت‌تری را هم انجام می‌دهد.

تندی و تیزی مکن در هیچ کار تا به رفقی آن میسر می‌شود
می‌زند چنگال چون ببر و پلنگ گربه با شیری چو مضطر می‌شود

(همان، ج ۱: ۱۱۷)

پیل (فیل)

«فیل پستانداری است عظیم‌الجثه که امروزه فقط دو گونه موجود است: یکی فیل آسیایی یا هندی و دیگری فیل آفریقایی. فیل‌ها دارای خرطوم بلندی هستند که از اتصال دو جدار بینی و لب فوقانی به وجود آمده است. خرطوم فیل‌ها، عضو گیرنده و همچنین سلاح دفاع و حمله است...» (معین، ۱۳۸۶: ج ۲، ذیل واژه فیل).

فیل در زبان پهلوی به شکل Pil تلفظ می‌شده است. آنچه از بندهشن در مورد فیل استنباط می‌شود، این است که این چارپای عظیم هیكل، آفریده اهریمن است و با نیت نابودی اهورا آفریده شده است، ولی در ادامه بیان می‌شود که بدذاتی فیل همچون خرفستران نیست که همیشه گرایش به زیان رساندن دارند. بلکه جانوری است با طبعی دوگانه، گاه می‌توان این جانور را رام کرد و به بهره‌گیری آن پرداخت (ر.ک: دادگی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

پیل چهار بار در نگارستان به کار رفته است که همه آنها در معنای نمادین است. جوینی در ابیات زیر که نام جانوران زیادی را در آن ذکر کرده است؛ توصیه می‌کند اگر زور و بازو و قدرت دارید با دشمنان قدرتمند بجنگید و در غیر این صورت بهتر است راه صلح پیش بگیرید و با تکیه و پشتیبانی دوستان خود، ساز و برگ جنگ را آماده نکنید!

وی پیل را در کنار شیر و ببر و پلنگ به صورت نمادین و در مفهوم قدرتمندی به کار گرفته

است.

گرت زور و بازو و مردانگی است
به خشکی برآویز با پیل مست
وگر نه ره صلح را پیش گیر
بکن ناخن شیر و بیر و پلنگ
به دریا مکن احتراز از نهنگ
به پُشتی یاران میارای جنگ
(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۸۴)

در ابیات زیر فیل در مفهوم نمادین قدرت و پشه در مفهوم نمادین ضعف و ناتوانی با رابطه تضاد به کار رفته است.

با پشه پیل را نبود مهر دوستی
هم از سر طریق برو، زود باز کش
طاووس کی کند هوس صحبت مگس
پای طلب که نیست به مقصود دسترس
(همان، ۳۱۳)

باران به قدر آب حیات است تشنه را
با ضعف خویش پشه بیچاره چون کند
عالم کند خراب چو ز اندازه بگذرد
باری که پیل طاقت حملش نیآورد
(همان، ۳۳۲)

نبود هیچ غم ز قصد کسی
کی گُشد پیل مست و اسب چموش
با خدا هر که را سر و کاری است
هر که را چون خدا نگهداری است
(همان، ۱۱۵)

بیر

پستانداری از تیره گربه‌ها جزو راسته گوستخواران است که بیشتر در آسیای مرکزی و جنوبی پراکنده است بدن این حیوان قسمت پشت و پهلو و اندام‌ها به رنگ نارنجی زیباست و به تدریج ناحیه زیر شکم آن به سفیدی می‌گراید (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ذیل واژه بیر).
بیر در ادبیات فارسی نماد قدرتمندی است و در کتاب نگارستان فقط دو بار به کار رفته است و در هر دو مورد نیز همین معنا مورد استفاده قرار گرفته است.

تندی و تیزی مکن در هیچ کار
می‌زند چنگال چون بیر و پلنگ
تا به رفقی آن میسر می‌شود
گربه یا شیری چو مضطر می‌شود
(معینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

گرت زور و بازو و مردانگی است
به خشکی برآویز با پیل مست
بکن ناخن شیر و بیر و پلنگ
به دریا مکن احتراز نهنگ

(همان ۸۴)

گور

جانوری چارپا، وحشی و شبیه خر است. ولی دارای خطوط سیاه و سفید فراوان در بدن است. اندام این جانور کمی از الاغ بزرگتر است. گور ایرانی برخلاف گور آفریقایی دارای پوست ساده و بدون خط است. مدت بارداری این جانور دوازده ماه است (ر.ک: عطوفت، ۱۳۸۷: ۴۸).

در آثار پهلوی گور همراه با خر و استر از خانواده اسبان معرفی شده است (ر.ک: دادگی، ۱۳۸۵: ۷۹) و چنین آمده است که اورمزد برای از بین بردن لاشه این جانور کلاغ را آفریده است (ر.ک: همان: ۱۰۳).

این جانور در ادبیات نماد ضعف و ناتوانی، سرعت و بی‌ارزش بودن است. در نگارستان فقط یک بار به صورت تلویحی در معنای نمادین ضعیف بودن مورد استفاده قرار گرفته است.

هیچ منصب به عجز نتوان یافت سلطنت هست در سر شمشیر
نکند هیچ صید گور و گوزن گر بترسد ز گرگ و روبه و شیر
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۱۸۷)

گوزن

چارپایی است پستاندار، جفت سم، نشخوارکننده و دارای شاخ‌های زیاد، این حیوان در اغلب مناطق جهان دیده می‌شود. شاخ‌های بلند و پرشاخه او هر سال می‌افتد و دوباره با شاخی اضافی درمی‌آید. گونه‌های مختلفی دارد: قطبی، شمالی، ختایی و... (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۳: ذیل واژه گوزن).

در ادبیات چشم گوزن نماد زیبایی است و گوزن نماد ضعف و ناتوانی است. در نگارستان جوینی فقط در یک مورد از این جانور نام برده شده است که در معنای حقیقی به کار رفته است.

هیچ منصب به عجز نتوان یافت سلطنت هست در سر شمشیر
نکند هیچ صید گور و گوزن گر بترسد ز گرگ و روبه و شیر
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۱۸۷)

خرس

خرس در پهلوی به صورت xirs تلفظ می‌شده است (ر.ک: خالقی مطلق، ۲۵۳۶: ۶۰۹).

در مورد آفرینش این جانور چنین آمده است: آنگاه که فرّ جمشید از او جدا می‌شود، وی به دریایی بسیار دور می‌گریزد و دیوی به درخواست اهریمن به دنبال جمشید می‌رود و او را می‌یابد. دیو به جمشید پیشنهاد می‌دهد که خواهر خود را به او بدهد و خود از خواهر جمشید خواستگاری می‌کند و جمشید موافقت می‌کند. نتیجه پیوند دیو و خواهر جمشید، خرس می‌شود (ر.ک: رضی، ۱۳۸۵: ۲۲۶).

با این مطلب کاملاً آشکار می‌شود که باید خرس را جانوری کاملاً اهریمنی به حساب آورد. جوینی در نگارستان خرس را نماد انسان‌های شکم باره معرفی می‌کند:

هر شکم بنده‌ای که یابد باز راحت خواب و لذت سیری
نکند میل آخرت هرگز خرس پرخواره کی کند سیری
(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۱۸۱)

پرنندگان

پرنده‌گانی که در نگارستان به کار رفته‌اند عبارتند از: مرغ، بلبل، طاووس، باز، کبوتر، کرکس، قمری، عنقا، کلاغ، عقاب، هدهد، بط، بوتیمار و بوم.

مرغ

واژه مرغ در نگارستان ۲۲ بار تکرار شده است که هم در معنی حقیقی و هم در معنی مجازی به کار رفته است منظور از مرغ گاهی پرنده‌ای خوش‌آواز است و گاهی به معنی مطلق پرنندگان است.

در جمله زیر مرغ در معنی پرنندگان خوش‌آواز آمده است:
«و اکنون گل‌های رنگین را وقت شکفتن است و مرغان خوش‌آواز را وقت سرود گفتن»
(همان، ج ۱: ۵۰) و در بیت زیر، مرغ نماد انسان‌های کوچک و ضعیف است:

به دانه، صید، بسی کرده‌اند مرغی را که برده است بسی ز دست تیرانداز
(همان، ۹۶)

جوینی اعتقاد دارد عشق اختیاری نیست و اضطراری است و گناه عاشق نیز اختیاری نیست و اعتقاد دارد بر رونده طریق عشق ملامت نیست، اگرچه سر کوی عشق مأمّن سلامت نیست (ر.ک: همان، ۲۷۸). بیت زیر را به عنوان شاهد مثالی برای فهم این مطلب بیان می‌دارد:

آزاد ز اندیشه به بازیچه شمارد حال دل مرغی که بود بسته دامی
سوز دل آن بلبل محبوس چه داند با یار هم آواز خود آسوده حمامی

(همان، ۲۷۸)

در بیت‌های بالا مرغ نماد انسان‌های عاشق است. و در جایی دیگر مرغ (بلبل) را نماد عاشقان ظاهری می‌داند و در فواید دوستی با بیان ویژگی‌های دوست، سفارش می‌کند دوستی را انتخاب کن که پس از تو به دیگری مأنوس نشود و این‌گونه می‌سراید:

مجو مهر از دل بازاری کو ز هر دگان فقایی می‌گشاید
نباشد از چنین خوش‌لحن مرغی که هر دم بر گل دیگر سراید

(همان، ۲۲۲)

بلبل

پرنده‌ای است به اندازه گنجشک و آوازی خوش دارد. در شیوایی و زبان‌آوری معروف است. غالباً انسان‌های شیواسخن را به این پرنده تشبیه می‌کنند. رنگ این پرنده خاکستری است که به قرمز می‌گراید و زیر شکمش متمایل به زرد است. این پرنده حشره‌خوار است و آوازی دلکش دارد (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ذیل واژه بلبل).

در فرهنگ‌ها نام دیگرش عندلیب، هزارستان و هزارآوا است. این پرنده در ادبیات دستمایه سرودن شعر برای بسیاری از شاعران قرار گرفته و در معانی نمادین خوش‌آوازی، شیرین‌زبانی، عشق ظاهری، و ناله سردادن به کار رفته است. نام این پرنده هجده بار در نگارستان به کار رفته است.

نماد شیرین‌زبانی

«یکی از مشایخ بسیار گفتی که عجب دارم از آن کسی که اجل موجلش حال گردد و متقاضی امانت روح چنگ استرداد در دامن حیاتش زند و برقرار بلبل زبان او در ترنم بود و گل بستان دانش او در تبسم، چرا صفت خار خار جگرخوار مرگ نکند و از آن حالت با هیبت، حاضران مرا آگاه نگرداند؟ (ر.ک: جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۱۴۸)

نماد عاشق بودن

می‌ریخت ابر لولؤ، می‌سوخت لاله عود گل را به دست لطف صبا چهره می‌گشاد
بلبل حدیث عشق می‌گفت و باد صبح زر در دهان غنچه خندان همی نهاد

(همان، ۲۹۶)

طاووس

طاووس نر، زیباترین پرنده جهان است و این زیبایی را مدیون پَرِ نُقش و نگار خود است. صدای طاووس برخلاف پرهای زیبایش، زشت است. طاووس ماده، سالی حدود ۴ تا ۶ تخم می‌گذارد. بلوغ این پرنده در سه سالگی اتفاق می‌افتد. طاووس‌ها اغلب رنگین هستند. نوع سفید و آبی آن نیز دیده شده است. طاووس‌ها سی سال عمر می‌کنند (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ذیل واژه طاووس).

طاووس در ادبیات نماد زیبایی و جلوه‌گری، جاه‌طلبی و ریاکاری و پای طاووس نماد زشتی است. جوینی از این پرنده، شش بار در نگارستان نام برده است. در ابیات زیر طاووس نماد زیبایی است:

تو بسته تجمّل و من خسته نیاز / غمگنی من از فراق و تو در وصال، شادمان
 طاووس در چمن شده مغرور حسن خویش / پروانه پیش شمع بر آتش نهاده جان
 (جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۳۰۹)

هر که را صورتی است نازیبا / در دل هیچ کس ندارد جا
 هست از صورت نکو طاووس / در شبستان پادشاه محبوس
 (همان، ۱۸۱)

امشب که هست چون تماشاگاه بهشت / مجلس چو روی یار علیرغم روزگار
 سیم‌غوار تا نزند بال سیم ریز / طاووس وار بر سر این چرخ زرنگار
 (همان، ۳۸۵)

باز

پرنده‌ای شکاری و تند پرواز است. و با چنگال‌های قوی شکار خود را می‌گیرد. این پرنده چندان بزرگ نیست و طول آن حدود ۴۰ سانتی‌متر است.

این پرنده در نگاه پادشاهان عزت و احترام زیادی داشته است و دیدار باز را به فال نیک می‌گرفتند (ر.ک: خیام، ۱۳۸۰: ۵۸). بازها انواع متفاوتی دارند، هر چند که باز سرخ و زرد در شکار کردن حریص‌تر است ولی بهترین آنها باز سفید است. این چنین گفته‌اند که اسب، شاه حیوانات گیاه‌خوار است و باز شاه جانوران گوشت‌خوار (ر.ک: همان: ۵۶). در بندهشن آمده است، هدف از خلقت باز سفید از بین بردن مار پَردار است، همان ماری که بر سر هر کسی سایه افکند، خواهد مرد (ر.ک: دادگی: ۱۳۸۵: ۹۹).

باز در ادبیات نماد قدرت و تسلط، بلندپروازی و بلندهمتی، خوش‌یمنی و حلال‌خوری بوده است. باز در نگارستان پنج بار تکرار شده است که در همه موارد در معنای نمادین به کار رفته است و در بیت زیر نماد همت عالی است.

باز را هست، همت عالی آشیانش سرای سلطانی است
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۱۸۸)

جوینی ارزش هر انسانی را به همت والای او می‌داند، همت عالی باز را می‌ستاید و دلیل رسیدن به طعمه مطلوب باز را همت عالی این پرنده می‌داند:

مقدار هر که هست به همت شود پدید بشنو به گوش هوش خود از من لطیفه‌ای
از همت است سفیدی بط طعمه باز کرکس کند چو بوم قناعت به جیفه‌ای
(همان، ج ۱: ۲۸۳)

کبوتر

نام دیگر کبوتر، کفتر، کوتر و حمام است. جوینی در بیت زیر نام حمام معادل عربی کبوتر را برای این پرنده به کار برده است:

سوز دل آن بلبل محبوس چه داند با یار هم آواز خود آسوده حمامی
(همان، ج ۱: ۲۷۸)

در ادبیات کبوتر نماد زیبایی، مردان خدا، موجودی ضعیف و ... است. نام کبوتر در نگارستان پنج بار به کار رفته است که اغلب نماد موجودی ضعیف است. مثال:

خلق سرگشته و حیران و پریشان گشتند راست مانند کبوتر بچه در چنگل باز
(همان، ج ۱: ۳۸)

عاشق چه کند گر نهد جان به دل خویش با یار چو در مجلس شادی بنشیند
از باز چه آید به جز از قتل کبوتر پروانه به جز سوختن از شمع چه بیند
(همان، ج ۱: ۳۴۹)

کرکس

پرنده‌ای است قوی هیکل و بدریخت و گوشتخوار از راسته شکاریان روزانه، دارای منقار قوی برگشته و گردن و سر لخت و بال‌های وسیع و بزرگ می‌باشد که گردن و سری سخت دارد (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۳: ذیل واژه کرکس). نام دیگر کرکس دال است و قدرت دید بالایی دارد. در بند سی و سه بهرام یشت آمده است که ایزد بهرام بعد از یافتن کالبد مادی، مورد

ستایش زرتشت قرار گرفت، به همین سبب اهورامزدا آنچنان تیزبینی به او عطا کرد که کرکس دارد که در اوج آسمان پرواز، تکه گوشتی هر چند بسیار کوچک، بر زمین باشد می‌بیند (ر.ک: دادگی، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

کرکس در ادبیات نماد فرومایگی، مردارخواری، چالاکی، سیاهی، تیرگی و نماد سرعت و تیزپز بودن است. نام کرکس سه بار در نگارستان به کار رفته است و در هر سه مورد در مفهوم نمادین بوده است در ابیات زیر افراد دون همت به کرکس تشبیه شده است.

مقدار هر که هست به همت شود پدید بشنو به گوش هوش خود از من لطیفه‌ای
از همت است سفیدی بط طعمه‌ باز کرکس کند چو بوم قناعت به جیفه‌ای
(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۲۸۳)

و: «مرد عالی همت، همایی است پرنده و دون همت، کرکسی پر گنده» (همان، ج ۲: ۲۴۲).

چون همای آنکه همتی دارد بخت بد را از او بجوی علیچ
وانکه در بند جیفه‌ای مانده است همچو کرکس ازو نیاید هیچ
(همان، ج ۲: ۲۴۲)

و بلندپروازی کرکس در ابیات زیر بیان شده است:

اگر نسر طائر بر افلاک پر گشادی بجستی ز زخم خدنگ
سپهر برین قرطه خویش را زدی چاک اگر نیستی نام و ننگ
(همان، ج ۲: ۳۰)

قمری

قمری در نگارستان سه بار به کار رفته است که در همه موارد در معنای حقیقی بوده است.
قمری رگ رود پست می‌زد سرو از سرپای دست می‌زد
(همان، ج ۱: ۴۵)

عنقا

مرغی افسانه‌ای است که دو بار در نگارستان به کار رفته است و در هر دو مورد نماد تنهایی و نادر بودن است.

ز بهر حرمت دنیا و آخرت نبود بضاعتی چو صدیقِ حمیم و یار صدوق
ولی چه سود که یاران هم نفس هستند در این زمانه چو عنقا عزیز و بیضِ اُنوق

(همان، ج ۱: ۲۱۳)

یادآوری می‌شود انوک همان عقاب است که در اینجا در معنای حقیقی و به صورت ضرب المثل به کار رفته است.

خروس

خروس یعنی مرغ نر خانگی که دو بار در نگارستان به کار رفته است که در هر دو مورد در معنای نمادین ذاکر خدا بودن و تسبیح خدای را گفتن به کار رفته است. البته قابل یادآوری است خروس در ادبیات در معانی نمادین دیگری چون آراستگی، پیشگویی، شهوت‌پرستی و چشم خروس در معنی نمادین زیبایی مورد استفاده قرار گرفته است.

مثال ۱: «عارفی گفت: نشاید که حدت اذکار خروس از تو بیشتر باشد. او در اسحار ایستاده و تو خفته. او در تسبیح و تهلیل آواز برداشته و تو را از غفلت کار خود مهمل گذاشته (ر.ک: همان، ج ۲: ۸۳).

مثال ۲:

بر فلک رفت خروسان سحر را تسبیح خیز اگر زان که نه‌ای مرده سر از خواب برآر
مرغ در زمزمه ذکر و تو در خواب غرور ننگ روی تو گر از خویش نمی‌داری عار
(همان)

هما

همای پرنده‌ای شکاری و استخوان‌خوار است. با جثه‌ای نسبتاً درشت، پرهای فوقانی و پشت آن خاکستری مایل به سفید است. هما با وجود این که در طبقه‌بندی جزو پرندگان شکاری است؛ ولی غذای آن استخوان است. این پرنده استخوان‌ها را از زمین ربوده و از بالا بر روی صخره‌ها رها می‌کند و پس از قطعه قطعه شدن می‌خورد. قدما این مرغ را نشان سعادت و کامروایی می‌دانستند و می‌پنداشتند که سایه‌اش بر سر هر کسی افتد او را خوشبخت می‌کند (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه هما). هما دو بار در نگارستان به کار رفته است و در هر دو مورد نماد والاهمتی است.

«مرد عالی همّت» همایی است پرنده و دون همّت کرکسی پرکنده» (ر.ک: جوینی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۲۴۲).

چون همای آن که همّتی دارد بخت بد را ازو بجوی علیچ
وانکه در بند جیفه‌ای مانده است همچو کرکس ازو نیاید هیچ

(همان، ج ۲: ۲۴۲)

کلاغ

پرنده‌ای از راسته سبکبالان است، دارای پرهای سیاه، منقاری نسبتاً بلند و قوی. کلاغ تقریباً همه چیزخوار است. از تخم پرندگان و ماهی و قورباغه و مارمولک و موش و تغذیه می‌کند. روی هم رفته پرنده‌ای موزی و مضر است (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۳: ذیل واژه کلاغ). از کلاغ در نگارستان فقط در یک مورد و در معنای مجازی به کار رفته است. کلاغ در بیت زیر نماد پستی و بی‌ارزشی است در برابر باز که نماد بزرگی و عظمت است. هم کشتن است چاره اگر چند خوب نیست کشتن به کین باز کلاغ سیاه را (جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۱۱۸)

عقاب

پرنده‌ای از راسته شکاریان است، دارای جثه‌ای بزرگ و پنجه و منقاری قوی است. این پرنده بسیار جسور است. عقاب را «پادشاه پرندگان» لقب داده‌اند. ایرانیان باستان، عقاب را شعار و مظهر قدرت خویش قرار داده بودند. عقاب دارای کبر و غرور خاصی است. و برای این که بر شکار خود تسلط داشته باشد عموماً در ارتفاعات زیاد پرواز می‌کند (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه عقاب). عقاب در ادبیات نماد اقتدار، سرعت، بلندپروازی، عظمت و بزرگی است و گاهی در متون عرفانی نماد انسان‌های خالص و وارسته است (ر.ک: ایاز، ۱۳۹۶: ۳۹۸). معینی جوینی، در تشبیه بلیغ، با وجه شبه پنهان ماندن با وجود بزرگ اندام بودن، جهل و نادانی را به عقاب تشبیه کرده است:

عقاب جهل چو سیمرغ شد پنهان تا کرد همای علم تو پرواز از آشیان سخن
وانکه در بند جیفه‌ای مانده است همچو کرکس ازو نیاید هیچ
(جوینی، ج ۱، ۱۳۹۸: ۹۳)

هدهد

پرنده‌ای است از راسته سبکبالان، این پرنده حشره‌خوار است و به صورت انفرادی زندگی می‌کند. بر روی سر این پرنده یک دسته پر وجود دارد که حیوان به اراده خود می‌تواند مانند بادبزن آنها را از هم وا کند و یا روی هم بخواباند (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه هدهد). از

هدهد دو بار در نگارستان نام برده شده است و در هر دو مورد در معنای حقیقی به کار رفته است.

«سلیمان - علیه السلام - هدهد را پرسید که ملاقات تو با شکره و جوارح بر چه هیأت باشد؟ گفت... (ر.ک: جوینی، ج ۱: ۲۷۰).

بط (مرغابی)

از انواع طیور و از راسته پرده‌داران است که بیشتر در آب رودخانه‌ها و استخرها به سر می‌برد و گاهی در خانه‌های شمال ایران نگهداری می‌شود.

معینی جوینی در نگارستان فقط در یک مورد نام این پرنده را در معنی حقیقی به کار برده است.

مقدار هر که هست به همت شود پدید
بشنو به گوش هوش خود از من لطیفه‌ای
از همت است سینه بط طعمه باز را
کرکس کند چو بوم، قناعت به جیفه‌ای
(همان، ۲۸۳)

بوتیمار (غم‌خورک)

پرنده‌ای که جثه‌ای بزرگ دارد و قد گونه‌هایی از آن تا یک و نیم متر نیز می‌رسد. این پرنده در مرداب‌ها و رودخانه‌ها می‌زید و از ماهیان و دیگر حیوانات کوچک تغذیه می‌کند. حیوانی است گوشه‌گیر و محتاط و با انسان کمتر مأنوس می‌شود (ر.ک: معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه غم‌خورک).

معینی جوینی فقط یک بار «بوتیمار» را در نگارستان به کار برده است و معتقد است انسان‌های تن‌آسا و تنبل شایستگی سلطنت و پادشاهی را ندارند و انسان‌های تنبل را به بوتیمار تشبیه می‌کند که در کنار دریا و رودخانه می‌نشینند و به دنبال آب و ... نمی‌روند.

کمر سلطنت نشاید بست
هر که را رغبت تن‌آسانی است
سخت بی‌همت است بوتیمار
لاجرم خوار بر سر جانیست
باز را هست همت عالی
آشپانش سرای سلطانی است
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۱۸۸)

بوم

پرنده‌ای از رده شکاریان شبانه است و شب‌ها از لانه‌اش برای شکار خارج می‌شود و حشرات مضر و جانوران کوچک موذی مزارع و باغ‌ها را شکار می‌کند (ر.ک: معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ذیل

واژه‌ی بوم).

بوم در نگارستان فقط یک بار نام برده شده و در مفهوم نمادین قناعت و نیز بی‌همتای استفاده شده است.

مقدار هرکه هست به همت شود پدید بشنو به گوش هوش خود از من لطیفه‌ای
از همت است سینه بط طعمه باز را کرکس کند چو بوم، قناعت به جیفه‌ای
(جوینی، ج ۲، ۱۳۹۸: ۲۸۳)

در بخش پایانی، اسامی چارپایان و پرندگان به کار رفته در نگارستان در جدول‌های متفاوتی آورده شده است.

جدول کاربرد حیوانات در نگارستان در یک نمای کلی

نام جانوران	تعداد به کار رفته	نمادین	حقیقی	نام جانوران	تعداد به کار رفته	نمادین	حقیقی
سگ	۳۰ بار	۲۰	۱۰	گره	۳ بار	۳	-
شیر	۱۲ بار	۶	۶	پیل	۴ بار	۴	-
گوسفند	۱۴ بار	۱	۱۳	ببر	۲ بار	۲	-
گرگ	۸ بار	۵	۳	گورخر	۱ بار	۱	-
شتر	۸ بار	-	۸	گوزن	۱ بار	۱	-
خر	۶ بار	۳	۳	گوساله	۱ بار	-	۱
اسب	۱۹ بار	-	۱۹	بره	۳ بار	-	۳
پلنگ	۳ بار	۳	-	خرس	۱ بار	۱	-
روباه	۳ بار	۳	-	بزغاله	۱ بار	-	۱

جدول کاربرد پرندگان در نگارستان

نام جانوران	تعداد به کار رفته	نمادین	حقیقی	نام جانوران	تعداد به کار رفته	نمادین	حقیقی
مرغ	۲۲ بار	۴	۱۸	خروس	۲ بار	۲	-
بلبل	۱۸ بار	۱۰	۸	هما	۲ بار	۲	-
گنجشک	۶ بار	-	۶	کلاغ	۱ بار	-	۱
طاووس	۶ بار	۲	۴	عقاب	۱ بار	۱	-
باز	۵ بار	۲	۳	هدهد	۲ بار	-	۲

۱	-	۱ بار	بط	۳	۲	۵ بار	کبوتر
-	۱	۱ بار	بوتیمار	-	۳	۳ بار	کرکس
-	۱	۱ بار	بوم	۳	-	۳ بار	قمری
۱	-	۱ بار	انوق	-	۲	۲ بار	عنقا

نتیجه‌گیری

پژوهش در زمینه جانوران، ما را به شناخت دیدگاه‌ها و تفکرات انسان‌های نخستین رهنمون می‌کند. بنابراین شناخت جانوران و کاربرد نمادین آنها بیانگر این نکته است که زندگی انسان‌های اولیه، از جانوران جدا نبوده و برخی از این جانوران یار و مددکار انسان در طول تاریخ بوده است و نیز آگاهی یافتن به این مطلب که همواره پیوندی ناگسستنی بین انسان و جانوران وجود دارد.

از بررسی جانوران در پژوهش تدوین شده به این نکته دست یافته‌ایم که جوینی مانند نویسندگان و شاعران دیگر، اسامی تعداد قابل توجهی از حیوانات و پرندگان را در نگارستان به کار برده است و آنان را دستمایه‌ای برای بیان مفاهیم عرفانی و اخلاقی خود، قرار داده است. جوینی در مجموع صد و بیست بار از نام حیوانات - سگ، شیر، گوسفند، گرگ، شتر، خر، اسب، پلنگ، روباه، گربه، پیل، ببر، گورخر، گوزن، گوساله، بره، خرس و بزغاله - استفاده کرده است که از این تعداد پنجاه و شش بار در مفهوم نمادین و شصت و چهار بار در مفهوم حقیقی به کار رفته است.

جوینی هشتاد و یک بار از پرندگان - بلبل، گنجشک، طاووس، کبوتر، کرکس، قمری، عنقا، خروس، هما، کلاغ، عقاب، هدهد، بط، بوتیمار و بوم - استفاده نموده است که سی و دو بار آن در مفهوم نمادین و چهل و نه مرتبه آن در معنای حقیقی به کار رفته است.

منابع

کتاب‌ها

- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۳) *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۴۰۸ ه.ق) *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*، جلد ۲۵، قم: اسماعیلیان/تهران، کتابخانه اسلامی،
- جوینی، معین‌الدین (۱۳۹۸) *نگارستان*، تصحیح علی اکبر عباس‌آبادی، هادی عباس‌آبادی، نرگس رضوانی مقدم، طبس: انتشارات فراونگ.

خالقی مطلق، جلال (۲۵۳۶) اساس اشتقاق فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
داد، سیما (۱۳۹۰) فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه‌نامه، مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی، جلد ۵، تهران: مروارید.

دادگی، فرنیغ (۱۳۸۵) بندهش، گزارش مهرداد بهار، تهران: توس.
دوستخواه، جلیل (۱۳۸۵) اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، تهران: مروارید.
دولت‌شاه سمرقندی، امیر (۱۳۶۶) تذکرة الشعراء، به کوشش محمد رضانی، تهران: انتشارات پدیده خاور.

رضی، هاشم (۱۳۸۵) ونیداد، تهران: بهجت.
شریفی، محمد (۱۳۸۷) فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: انتشارات فرهنگ نشر نور معین.
عطوفت شمسی، مسعود (۱۳۸۷) دایرةالمعارف حیوانات ایران، تهران: بدرقه جاویدان.
فتوحی، محمود (۱۳۸۶) بلاغت تصویر، تهران: سخن.
قلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۷) فرهنگ اساطیر ایرانی، بر پایه متون پهلوی، تهران: کتاب پارسه.
کوپر، جی. سی (۱۳۹۲) فرهنگ نمادهای آیینی، ترجمه رقیه بهزاد، تهران: علمی.
معین، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ فارسی معین، جلد ۱ تا ۴، تهران: نامن.

مقالات

ذاکری، احمد، جماران، فایزه. (۱۳۸۹). حیوانات در آثار سعدی. فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۲(۶)، ۲۹-۵۶.
منزوی، احمد. (۱۳۵۲). تتبع در گلستان سعدی. نشریه وحید، ۱۱(۵)، ۵۵۲-۵۵۶.

پایان‌نامه‌ها

ایاز، حمید (۱۳۹۶) بررسی تطبیقی مفاهیم نمادین جانوران در متون حماسی، غنایی و عرفانی با تکیه بر شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و مثنوی معنوی مولوی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

References

Books

Cooper, J. C (2013) *Culture of Ritual Symbols*, translated by Roghayeh Behzādi, Tehran: Elmi publications.

Dād, Simā (2011) *Dictionary of Literary Terms, Dictionary, Persian and European Literary Concepts and Terms*, Volume 5, Tehran: Morvārid Publications.

Dādegi, Farnbagh (2006) *Bondahesh*, Report by Mehrdad Bahar, Tehran: Toos Publications.

Dolatshāh Samarqandi, Amir (1987) *Tazkereh al-Sho 'arā*, by Mohammad Ramezani, Tehran: Padideh Khāvar Publications.

Dostkhāh, Jalil (2006) *Avestā, the oldest Iranian songs*, Tehran: Morvārid Publications.

Fotouhi, Maḥmoud (2007) *Rhetoric of Image*, Tehran: Sokhan publications.
8.Gholizādeh, Khosrow (2008) *Culture of Persian mythology, based on Pahlavi texts*, Tehran: Ketāb-e- pārseh publications.

Jovayni, Mo 'ineddin (2020) *Negārestān*, edited by Ali Akbar 'Abbāsābādi, Hādī'Abbāsābādi, Narges Rezvāni Moghaddam, Ṭabas: Farāvang Publications.

Khāleghi Motlagh, Jalāl (2536) *Basis of Persian Derivation*, Tehran: Bonyād-e-Farhang-e- Iran publications.

Mo 'ein, Moḥammad (2007) *Persian Culture*, vols. 1 to 4, Tehran: Nāmen publications.

'Otofat Shamsi, Mas 'oud (2008) *Encyclopedia of Iranian Animals*, Tehran: Badragha-e-Jāvidān publications.

Pournāmdarian, Taghi (2004) *Mysteries and Mysterious Stories in Persian Literature*, Tehran: 'Elmi va Farhangi Publications.

Razi, Hāshem (2006) *Vandidād*, Tehran: Behjat Publications.

Sharifi, Mohammad (2008) *Dictionary of Persian Literature*, Tehran: Farhang-e-Nashr-e- Noor-e- Moin Publications.

Tehrāni, Sheikh Aghā Bozorg (1976) *Al-dhari 'ah elā tasānif al-Shi 'a*, vol. 25, Qom, Ismāiliān / Tehran: ketābkhāney-e- islāmiyeh.

Articles

Jamārān, Fāizeh; Zakeri, Aḥmad. (2011). Animals article in Sa 'di's works. *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dekhoda)*, 2(6), 29-56.

Monzavi, Ahmad. (1973). Research in Golestān Sa 'di. *Vahid Journal*, 11(5), 552-556.

Theses

Ayāz, Ḥamid, (2018), *A Comparative Study of Symbolic Concepts of Animals in Epic, Lyrical and Mystical Texts Based on Ferdowsi's Shahnameh, Khamseh Nezami and Molavi's Spiritual Masnavi*, Islamic Azād University, South Tehran Branch.

Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 54, Winter 2022, pp. 194-222

Date of receipt: 26/1/2022, Date of acceptance: 15/6/2022

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1950809.2423](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1950809.2423)

۲۲۲

Symbolic study of animals in Moin al-ddin Jovayni's Negarestan

Narges Rezvani Moghaddam¹, Dr. Iraj Mehraki², Dr. Azar Daneshgar³, Dr. Zahra Dorri⁴

Abstract

Symbols often originates from nature, national and mythological rituals, and religion and are one of the methods of communicating and conveying meanings. The words in addition of its true meaning, evoke multiple and even contradictory meanings and images that to be aroused different emotional reactions and feelings in the reader. In Persian literature, from the names of all kinds of animals have been used in various cases and in different meanings. Animals whose names are sometimes be applied in the real sense and sometimes in the unreal and symbolic sense. In this research, the symbolic study of animals is discussed in the book of Jovayni's Negarestan. Animals have been divided from the direction of symbolic meaning and real meaning, and the frequency of each item is also provided. Moin al-ddin Jovayni's Negarestan is a book written in imitation of Saadi's Golestan. The study method is based on theoretical principles and descriptive-analytical method and research tools, has been books and Information and library resources in this area. In compiling the desired contents due to the multiplicity and diversity of different species of animals, they are divided into four groups: ("livestock"), ("birds"), ("insects and vermin"); and ("aquatic") and has been brought explanations and documents on their symbolic concepts in each group. The aim of writing the research was to find out what symbolic meanings the animals in Moin al-ddin Jovayni's Negarestan were used and to determine the frequency of each.

The result of this study reveals that Jovayni has used in respectively from animals, birds, insects and vermin and aquatic animals in the symbolic and real meanings. The amounts of application of real concepts is more in all kinds, and in insects and vermin, symbolic meanings and real concepts are almost equal.

Keywords: Animals, Symbol, Negarestan, Moin al-ddin Jovayni.

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. narges0912@yahoo.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding author) I.mehr41@gmail.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. a.daneshgar2015@gmail.com

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. zahra_dorri@yahoo.com

